

جلسه ۶۶ (ش) ۸۸/۱۲/۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هفتمین از مفطرات صوم الارتماس فی الماء می باشد ، این مسئله هم یکی از منفردات امامیه می باشد و عامه قائل به بطلان صوم به سبب ارتماس فی الماء نیستند . در بین فقهای ما در رابطه با این مسئله بحثهای مختلفی وجود دارد ، یک بحث این است که آیا ارتماس فی الماء تکلیفاً حرام است و به روزه ضرر نمی رساند یا اینکه حرمت وضعی هم دارد ؟ بعضی ها من جمله علامه در تذکره و منتهی قائلند که ارتماس فی الماء فقط حرمت تکلیفی دارد و روزه را باطل نمی کند ، بعضی ها گفته اند که ارتماس فی الماء کراهت دارد و حرام هم نیست خوب در این صورت هم معلوم است که مبطل صوم نمی باشد ، در مقابل این دو قول بعضی ها قائلند که ارتماس فی الماء حرمت وضعی دارد و روزه را باطل می کند و موجب هم قضا و هم کفاره می باشد و همچنین عده ای قائلند که حرمت وضعی دارد و روزه را باطل می کند منتهی فقط قضا دارد دون الکفارة ، خلاصه کمتر مسئله ای در فقه پیدا می شود که به این اندازه در آن اختلاف نظر وجود داشته باشد .

تنها دلیل این بحث ها بر می گردد به اخباری که در این رابطه وجود دارد که جمع بین اخبار باعث اختلاف اقوال به این ترتیب شده است از این جهت لازم است که ما ابتدا اخبار را در نظر بگیریم تا بعد ببینیم چطور باید بین آنها جمع کنیم . ۶ خبر از باب ۳ از ابواب مایمسک عنه الصائم که در ص ۲۲ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است از ارتماس فی الماء نهی می کنند و نوعاً سند آنها خوب است ، خبر اول باب این خبر است : « محمد بن یعقوب ، عن محمد بن یحیی ، عن محمد بن الحسین ، (علی بن الحکم) ، عن صفوان ، عن یعقوب بن شعیب ، عن ابي عبدالله (ع) قال : لا یرتمس المحرم فی الماء و لا صائم » . روایت سنداً صحیح می باشد و کلینی در طبقه ۹ و استادش محمد بن یحیی در طبقه ۸ و محمد بن الحسین در طبقه ۷ و علی بن الحکم در طبقه ۶ و صفوان و یعقوب بن شعیب در طبقه ۵ می باشند ، این روایت دلالت دارد بر نهی از فرو بردن سر در زیر آب یعنی همانطور که بر محرم حرام است که سرش را زیر آب فرو ببرد بر صائم هم حرام است که سرش را زیر آب فرو ببرد .

خبر دوم باب این خبر است : « و عنه ، عن محمد بن الحسین ، عن علی بن الحکم ، عن العلاء بن رزین ، عن محمد بن مسلم ، عن ابي جعفر (ع) قال : الصائم یستتقع فی الماء ، و یصب علی رأسه ، و یتبرد

بلشوب ، و ینضح بالمروحة ، و ینضح البوریا تحته ، و لا یغمس رأسه فی الماء » . علاء بن رزین و محمد بن مسلم هر دو ثقه هستند و از طبقه ۵ می باشند پس این خبر هم سنداً صحیح می باشد ، این خبر هم مثل خبر قبلی دلالت بر نهی از فرو بردن سر در آب دارد ، شاهد ما جمله آخر روایت است « و لا یغمس رأسه فی الماء » که دلالت بر نهی از فرو بردن سر در آب دارد و چه ما این جمله را انشائیه بگیریم و چه خبریه فرقی نمی کند چرا که جمله خبریه هم در مقام انشاء همان معنی حرمت سر زیر آب بردن را می فهماند .

خبر چهارم باب این خبر است : « و عن عدة من أصحابنا ، عن سهل بن زیاد ، عن بعض أصحابنا ، عن مثنی الحنّاط و الحسن الصیقل قال : سألت أبا عبدالله (ع) عن الصائم ، یرتمس فی الماء ؟ قال : لا ، و لا المحرم ، قال : و سألته عن الصائم ، یلبس الثوب المبلول ؟ قال : لا » . سهل بن زیاد مختلف فیه می باشد ولی ما آن را خوب می دانیم و مثنی الحنّاط هم ثقه می باشد ولی حسن صیقل مجهول الحال می باشد ، این روایت از لحاظ سند مخدوش است زیرا ارسال دارد چرا که در آن گفته شده عن بعض أصحابنا ، این روایت هم دلالت بر حرمت سر زیر آب فرو بردن دارد .

خبر ششم باب این است : « محمد بن علی بن الحسین باسناده عن حنان بن سدير ، أنه سأل أبا عبدالله (ع) عن الصائم ، یستتقع فی الماء ؟ قال : لا بأس ، و لكن لا ینغمس ، و المرأة لا تستتقع فی الماء لأنها تحمل الماء قبلها » . در ص ۵۳۴ از جلد ۲ جامع الروات آمده است که اسناد شیخ به حنان صحیح می باشد و خود حنان بن سدير واقفی ثقه و از طبقه ۵ می باشد ، خوب این خبر هم از جمله اخباری است که دلالت بر نهی از فرو بردن سر در زیر آب دارد ، اخبار قبلی صحیح بودند ولی این خبر موثق می باشد .

خبر هفتم باب این خبر است : « و باسناده عن الحسين بن سعيد ، عن محمد بن ابي عمير ، عن حماد ، عن الحلبي ، عن ابي عبدالله (ع) ، قال : الصائم یستتقع فی الماء و لا یرمس رأسه » . اسناد شیخ به حسین بن سعید خیلی خوب می باشد و خود او هم از اجلای طبقه ۶ می باشد و ابن ابي عمير هم از طبقه ۶ می باشد ، در چند جا ما بحث کرده ایم که حمادی که از حلبی نقل می کند کدام حماد است آیا حماد بن عثمان است یا حماد بن عیسی ؟ هر چند که هر دو نفر آنها خوب هستند ولی همانطور که قبلاً گفتیم آن کسی که از حلبی نقل می کند حماد بن عثمان می باشد و خود حلبی هم بسیار خوب می باشد ، بنابراین حدیث سنداً صحیح می باشد و دلالت دارد بر نهی از فرو بردن سر در زیر آب .

عبدالله هم خوب است ، خوب همانطور که می بینید در روایت گفته شده یکره للصائم و این کراهت آن تحریمها را سست می کند .

خبر دیگری که در این رابطه داریم خبر اول از باب اول از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد که در ص ۱۹ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است : « محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد ، و باسناده عن محمد بن علی ابن محبوب ، عن یعقوب بن زید ، و باسناده عن علی بن مهزیار جمیعاً عن ابن اَبی عمیر ، عن حماد بن عثمان ، عن محمد بن مسلم قال : سمعت ابا جعفر (ع) يقول : لا یضر الصائم ما صنع إذا اجتنب ثلاث خصال : الطعام و الشراب ، و النساء ، و الارتماس فی الماء » . سه سند در این روایت وجود دارد علامه در تذکره می فرمایند که ظاهر روایت که می فرماید لایضر الصائم این است که ضرر رساندن اعم از باطل کردن می باشد و در اینجا مراد این است که ثوابش را کم می کند یعنی روزه کمالش را از دست می دهد . (اشکال و پاسخ استاد) بله وحدت سیاق اقتضاء می کند که روزه باطل شود ولی وحدت سیاق یکی از ادله ما نمی باشد که بخواهیم به آن عمل کنیم زیرا هر جمله ای استقلال دارد و معنی خاص خودش را می دهد .

خبر دیگر خبر ۶ از باب ۲ از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد ، خبر این است : « و فی الخصال عن محمد بن الحسن ، عن الصفار ، عن أحمد بن اَبی عبدالله عن اَبیه ، رفعه إلی اَبی عبدالله (ع) قال : خمسة أشياء تفتقر الصائم : الأكل ، و الشرب و الجماع ، و الارتماس فی الماء ، و الکذب علی الله و علی رسوله و علی الائمه (ع) » . این حدیث مرسل می باشد و به همین دلیل ضعف سند پیدا می کند زیرا در روایت آمده است عن اَبیه رفعه إلی اَبی عبدالله (ع) .

کل اخبار مربوط به این مسئله را ذکر کردیم و همانطور که گفتیم مضمونشان متفاوت می باشد که همین تفاوت مضمون باعث شده است که در اینجا چند قول بوجود بیاید ، قول اول اینکه ارتماس فی الماء حرام است و عده ای هم مثل سید مرتضی گفته اند که مکروه است و روزه را باطل نمی کند و دوم اینکه اگر حرام باشد آیا حرام تکلیفی است یعنی روزه را باطل نمی کند یا نه حرام وضعی است و روزه را باطل می کند ؟ علامه در تذکره و در معتبر و در منتهی و عده دیگری گفته اند که حرام تکلیفی است و روزه را باطل نمی کند و عده دیگری مثل شیخ طوسی و شیخ مفید گفته اند که روزه را باطل می کند و هم قضا و هم کفاره دارد و بعضی دیگر گفته اند که روزه را باطل می کند و قضا هم دارد ولی کفاره ندارد ، بنابراین اخباری که به عرضتان رسید باعث شده اند که این اختلاف در اقوال پیش بیاید

خبر هشتم باب این خبر است : « و عنه ، عن حماد ، عن حریر ، عن اَبی عبدالله (ع) قال : لا یرتمس الصائم و لا المحرم رأسه فی الماء » . در روایت قبلی حماد از حلبی نقل می کرد ولی در این روایت از حریر نقل می کند و همانطور که قبلاً عرض کردیم مراد از حلبی مطلق هم عبدالله بن علی بن شعبه حلبی می باشد و این روایت هم سنداً صحیح است و مثل روایات قبلی که خواندیم دلالت دارد بر نهی از فرو بردن سر در زیر آب ، این شش خبری که خواندیم نهی می کنند از اینکه صائم سر خود را در آب فرو ببرد که آنها اخبار (۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸) از باب ۳ از ابواب مایمسک عنه الصائم بودند .

خوب اگر همین اخبار ششگانه بود کار ما آسان بود و مطلب بسیار روشن بود ولی چند خبر دیگر وجود دارند که ما ناچاریم بین این چند خبر و اخبار ششگانه ای که خواندیم جمع کنیم ، یکی از آن چند خبر روایت موثقه اسحاق بن عمار است که خبر ۱ از باب ۶ از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد و در ص ۲۷ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است ، خبر این است : « محمد بن الحسن باسناده عن سعد ، عن عمران بن موسی ، عن محمد بن الحسين ، عن عبدالله بن جبلة ، عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبي عبدالله (ع) رجل صائم ارتمس فی الماء متعمداً ، علیه قضاء ذلك اليوم ؟ قال : لیس علیه قضاء و لا یعودن » . سعد بن عبدالله از فقهای بسیار بزرگ و ثقه هم بوده که از طبقه ۷ می باشد و عمران بن موسی هم ثقه است و از طبقه ۷ می باشد و محمد بن الحسن هم ثقه است و بسیار خوب می باشد و عبدالله بن جبلة هم واقفی ثقه و اسحاق بن عمار هم واقفی ثقه بنابراین خبر موثقه می باشد ، همانطور که می بینید امام در جواب می فرماید لیس علیه القضاء و وقتی قضاء به گردنش نباشد یعنی روزه اش هم صحیح است ، بنابراین حرمت وضعی ندارد و فقط حرمت تکلیفی دارد .

خبر دیگری که مسئله را مشکل کرده و باعث اختلاف فتوی در بین علما شده است خبر ۹ از باب ۳ از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد ، خبر این است : « و باسناده عن علی بن الحسن بن فضال ، عن محمد بن عبدالله ، عن عبدالله ابن سنان ، عن اَبی عبدالله (ع) قال : یکره للصائم أن یرتمس فی الماء » . علی بن الحسن بن فضال فطحی المذهب است ولی بسیار جلیل القدر بوده و ثقه هم می باشد ، فطحی المذهب ها با ما خیلی قریب هستند فقط ۱۳ امامی می باشند چون بعد از امام صادق (ع) پسرش عبدالله را امام می دانند و بعد از او امام موسی کاظم (ع) را امام می دانند بنابراین ۱۲ امام ما را قبول دارند ، محمد بن

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین